

تشت در کتبی یا شفاهی بودن کذب؛ تأملی بر رویکردهای مختلف به جرم نشر اکاذیب



دکتر قوام کریمی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان فارس، عضو هیئت علمی دانشگاه
سید حسین یزدان پناهی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

بررسی یکی از شرایط عنصر مادی جرم نشر اکاذیب برای اشخاصی که به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به طرق مختلف به انتشار اکاذیبی که هیچ صحت و سقمی در واقعیت نداشته و به عنوان بزه نشر اکاذیب جرم‌انگاری شده است در این مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مقاله حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، آراء مختلف صادره از دادگاه‌های عمومی، نظامی، تجدیدنظر و نظریه مشورتی قوه قضاییه و اشاره به اختلاف نظرهای قضات در آراء مختلف و همچنین رویکردهای فقهی و نظریه‌های دکترین حقوقی؛ شرط کتبی بودن کذب را در جرم مورد اشاره مورد بررسی قرار خواهد داد. از ملاحظه تمامی این موارد می‌توان دریافت در موارد بسیاری قضات، اظهار شفاهی کذب را نیز مشمول بزه نشر اکاذیب می‌دانند و از این رو شرط کتبی بودن را برای تحقق جرم ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات لازم نمی‌دانند.

واژگان کلیدی: نشر اکاذیب، کتبی بودن کذب، شفاهی بودن کذب



درآمد

جرم نشر اکاذیب به عنوان یکی از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) بخش تعزیرات مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود». نشر و علنی کردن هرگونه اکاذیب و مطلبی غیر از واقعیت، جرم محسوب می‌شود. اکاذیبی که به منظور اضرار به غیر و یا ایجاد تشویش در اذهان عمومی و یا در اذهان مقامات رسمی از سوی شخص منتشر می‌شود، از نظر قانون گذار زمانی جرم محسوب می‌شود که فرد منتشرکننده از روش‌های مکتوب در انتشار آن اکاذیب استفاده نماید. برخی قضات قسمت دوم ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات را برای تحقق جرم نشر اکاذیب به صورت شفاهی کافی دانسته‌اند، حال آنکه در حقوق کیفری بین حقوقدانان و برخی قضات و فقها در این خصوص وحدت دیدگاه وجود ندارد. در این مقاله در قالب چهار مبحث به تحلیل بزه نشر اکاذیب، بررسی دیدگاه‌های قضایی به شرط کتبی

بودن کذب، بررسی دیدگاه‌های فقهی به این شرط و دیدگاه‌های حقوقدانان اشاره خواهد شد.

۱- تحلیل بزه نشر اکاذیب

عنصر قانونی جرم نشر اکاذیب، ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است. رفتار مجرمانه (در باب عنصر مادی) در این جرم نیز «اظهار کردن» است.

اظهار کردن در لغت به معنی علنی کردن، نشان دادن، فاش ساختن و آشکار کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۴) که به نظر می‌رسد آنچه در این خصوص مد نظر قانون گذار است ظاهر و علنی شدن کذب است؛ بنابراین اگر کسی اکاذیبی را ولو به وسیله یکی از وسایل مورد نظر قانون گذار مکتوب کند، اما به جز شخص اظهارشونده کسی از مضمون آن باخبر نشود؛ «اظهار کردن» تلقی نشده و جرم مذکور نیز تحقق نیافته است.

«کذب بودن» محتوای اظهارشده برای تحقق این جرم لازم است. باید توجه کرد که با تصریح اکاذیب به عنوان شرط لازم برای تحقق این جرم، قانون گذار به طور ضمنی تأکید دارد که اشاعه حقایق هرچند موجب تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی یا ضرر غیر شود، جرم به حساب نمی‌آید.

آنچه در این جرم لازم است، قابلیت اضرار یا تشویش اذهان است؛ ولو اینکه ضرر یا تشویش محقق نشده باشد. قانون گذار در متن ماده بیان داشته است: «... اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا خیر».

اظهار اکاذیب جرمی مقید به وسیله است؛ زیرا در متن ماده قانون گذار تصریح می‌کند که «به وسیله نامه، شکوائیه،

مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند...».

در خصوص وسیله ارتکاب جرم باید گفت: آنچه در تمام این موارد گفته شده و بین آنها مشترک می‌باشد «مکتوب بودن» آنهاست و وسایلی مثل رادیو، تلویزیون یا نطق در مجامع و... را شامل نمی‌شود و با اینکه تردیدی در غیرمنطقی بودن حذف این وسایل نیست، ولی به نظر می‌رسد با توجه به ماده، اظهار اکاذیب را به نحو شفاهی نمی‌توان تسری داد، گرچه در بعضی از آراء قضایی قسمت دوم ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه «... یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد...» تحقق این جرم را به صورت شفاهی هم ممکن دانسته‌اند؛ لکن در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، تحقق جرم نشر اکاذیب را با توجه به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی فقط به صورت مکتوب دانسته است؛ بنابراین لازم است که مرتکب به کذب بودن اظهارات خود که باعث وارد شدن ضرر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی شود، آگاهی داشته باشد؛ همچنین جرم نشر اکاذیب یک جرم مطلق و قابل گذشت است.

۲- دیدگاه‌های قضایی به شرط کتبی بودن اظهارات کذب

در این مبحث به برخی از آراء قضایی و نظریه‌های مشورتی که پیرامون نشر اکاذیب صادر شده است اشاره می‌شود.

۱-۲- قرار منع تعقیب دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فسا

«در خصوص شکایت دانشگاه... شهرستان فسا با نمایندگی آقای ی. ک علیه



آقای ع. ز بر نشر اکاذیب به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای بدین شرح که شاکی اعلام داشته که مشتکی عنه با انتشار متنی در گروه واتس‌آپ اقدام به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی نسبت به مجموعه و مسئولین و پرسنل معاونت ... دانشگاه ... نموده است و مشتکی عنه نیز در دفاع از خویش بیان داشته مطلب منتشر شده از طرف تعدادی از کارکنان مجموعه در انتقاد از شیوه مدیریت و برخورد مدیران حوزه ... دانشگاه ... در شرایط شیوع بیماری کرونا به دست ایشان رسیده است و ایشان متن مربوطه را در گروه واتس‌آپی که ساختار گروه بررسی مسائل و مشکلات شهرستان بوده و اعضای آن مدیران شهرستان فسا و فعالین اجتماعی می‌باشند ارسال نموده‌اند. این دادیاری ضمن موجه دانستن دفاعیات وکیل محترم مشتکی عنه و نظر به تحقیقات صورت گرفته و بررسی محتویات و مضمون متن منتشر شده؛ اول اینکه با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۵ که بیان می‌دارند: «این ویروس بدبینی چیز بدی است؛ بدبینی به سپاه، بدبینی به دولت، بدبینی به مجلس، بدبینی به قوه قضاییه، بدبینی به نهادهای انقلابی و بنیادهای انقلابی، بدبینی به اینها. بله، انتقاد اشکالی ندارد، بلکه لازم است؛ انتقاد برای اصلاح لازم است، انتقاد یک عمل دوستانه است، عمل خصمانه نیست؛ وقتی شما انتقاد می‌کنید یک عمل دوستانه است؛ همین «الْمُؤْمِنُ مِرَآةُ الْمُؤْمِنِ»، [یعنی] آنچه را در طرف مقابل وجود دارد که عیب در او است و مورد انتقاد شما است، شما آن را درمی‌آورید، به او می‌گویید، این بسیار

کار خوبی است؛ انتقاد باید انجام بگیرد. گاهی اوقات انتقاد بایستی عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد بایستی در گوشه باشد؛ نه، گاهی هم باید عمومی باشد؛ اما اینکه ما به نحوی انتقاد بکنیم که آن شنونده انتقاد به تعبیر رایج بند دلش پاره بشود و بگوید «دیگر همه چیز از دست رفت، پدرمان درآمد»، این جوری نباید انتقاد بکنیم، ما گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم در کیفیت انتقاد کردن و این جوری کار می‌کنیم».



بسیاری از حقوقدانان برخلاف آراء ذکر شده، معتقدند با توجه به متن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، علاوه بر لزوم دروغ بودن مطالب مطرح شده، باید این کار به وسیله نامه، شکوائیه، مراسله، عریضه، گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء و بدون امضاء یا به عنوان نقل قول صریح یا ضمنی از شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی صورت گیرد.



دوم اینکه با نظر به اصول هشتم و بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی و ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و بند ۴ سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی و ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۳ و مواد ۲۶ و ۲۸ منشور حقوق شهروندی، هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است.

این حق باید در چهارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند.

دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی ازجمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند.

شهروندان نیز از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند و دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

سوم، با توجه به اینکه بزه نشر اکاذیب مستلزم احراز سوءنیت خاص مرتکب می‌باشد و با بررسی محتویات و مضمون متن منتشر شده، علی‌رغم اینکه در کیفیت و شیوه مطالب بیان شده ایراداتی مشهود است، لکن به نظر می‌رسد که متن مورد اشاره جنبه انتقادی داشته و قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی که از ارکان بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای می‌باشد در رفتار موصوف محرز نگردیده است.

فلذا با توجه به مجموع اوراق و محتویات پرونده و مراتب توصیفی بالا و نظر به حاکمیت اصل برائت به لحاظ عدم احراز تحقق ارکان بزه نشر اکاذیب و عدم انطباق رفتار انتسابی با سایر عناوین جزایی، مستنداً به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار منع تعقیب نامبرده صادر و اعلام می‌گردد ... دادیار شعبه دادستانی شهرستان فسا»



یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحاً نسبت دهد ...) تحقق این جرم می تواند به صورت شفاهی هم باشد. این بند از دادنامه به درستی صادر شده و ... شعبه ... دادگاه تجدیدنظر نظامی استان فارس»

در این دو رأی ملاحظه می شود شرط کتبی بودن نشر اکاذیب موضوعیت ندارد و به صورت شفاهی نیز محقق می شود.

۲-۴- نظریه مشورتی شماره ۹۷۴/۹۳/۷ مورخه ۹۳/۸/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه

نشر اکاذیب جرمی مقید به وسیله بوده که وسیله مذکور از حیث نوع مکتوب و از حیث مصداق غیر محصور است و تمامی وسائل ذکر شده در ماده ۶۹۸ از جمله عرایض، مکتوب هستند، اما موارد مذکور منصرف از ماده شفاهی است.

۳- دیدگاه های فقهی به شرط کتبی بودن اظهارات کذب

نشر اکاذیب در فقه اسلامی، صور و احکام مختلفی دارد و شامل خبر دروغ، افترا و شایعه پراکنی می شود. در حرمت نشر اکاذیب بین فقها اختلافی نیست و این عمل به ضرورت دین حرام می باشد (نجفی، بی تا: ۷۲/۲۲). کذب و به تبع آن و به طریق اولی، انتشار کذب از گناهان بزرگ است (نوری، ۱۴۰۸: ۹۱۲-۸۵) که آیات و روایات متعددی بر حرمت آن دلالت می کنند. فقها کذب را به دلیل عقلی نیز حرام می دانند. شیخ انصاری در مکاسب می نویسد: «کذب حرام است به ضرورت عقول و ادیان» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۱)، البته اینکه کذب به حکم عقل حرام باشد مورد قبول همه فقها نیست، بلکه بعضی از ایشان حرمت کذب از منظر عقل را منوط به ترتب

اخذ نموده و فردای آن روز با وی تماس گرفته و اظهار داشته آقای م. د، اخراجی بسیج است و فردی پر رو و نادرست است و او را ترغیب به شکایت بر علیه او نموده است، جرم نشر اکاذیب با توجه به ماده ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی محرز بوده است و به شش ماه حبس تعزیری محکوم گردیده است.

ریس شعبه ... دادگاه نظامی دو استان فارس»

رأی دادنامه شماره ۹۴/۱۰۰۹۹۷۹۱۹۸۱۰۰۰۹۹۰ تجدیدنظر نظامی استان فارس

«در خصوص تجدیدنظرخواهی دادیار محترم شعبه ... نظامی فارس نسبت به آن بخش از ادامه تجدیدنظر خواسته که برابر آن نامبرده به اتهام نشر اکاذیب به تحمل شش ماه حبس محکوم گردیده، نظر به اینکه ایراد و اعتراض مؤثری که نقص این بخش از دادنامه تجدیدنظر خواسته را موجب شود به عمل نیامده و با توجه به اظهارات آقای م. س، به شرح اوراق ... و ... و پرونده مبنی بر اینکه پس از بحث لفظی او با آقای ستوان م. د، بسیجی م. ب، به او مراجعه و شکایت بسیجی آقای م. د نسبت به آقای م. ب دو شماره تلفن وی را اخذ نموده و فردای آن روز با وی تماس و اظهار داشته آقای م. د، اخراجی بسیج است و فردی پر رو و نادرست است و او را ترغیب به شکایت بر علیه او نموده است و بارد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظر خواهان مبنی بر اینکه (در جرم نشر اکاذیب حتماً باید مطالب نسبت داده شده به صورت کتابت و متنوع باشد)، با توجه به قسمت اخیر ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه (... یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً

به نظر می رسد در رأی صادره صرف نظر از استدلال مطروحه، توجه به مفاد ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می تواند مورد توجه قرار داشته باشد؛ چراکه نشر اکاذیب به وسیله سامانه های رایانه ای و مخابراتی مشمول ماده موصوف بوده و از شمول ماده ۶۹۸ قانون مذکور خارج است.

۲-۲- رأی بدوی دادگاه کیفری تهران به شماره دادنامه ۹۲۱۰۲۱

«در خصوص اتهام خانم الف. ن. فرزند م، دایر بر نشر اکاذیب موضوع شکایت خانم ن. ف فرزند ح، جمیع اوراق و محتویات پرونده مورد بررسی قرار گرفت؛ اولاً، با فرض پذیرش ادعای شاکیه، مطالبی که از سوی متهمه بیان شده نسبت به پسر و شوهر شاکیه بوده نه خود شاکیه؛ ثانیاً، بزه نشر اکاذیب صرفاً به صورت مکتوب تحقق می یابد و با اظهارات شفاهی کفایت نمی کند، لذا مستنداً به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکم بر برائت صادر و اعلام می گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رئیس شعبه ... دادگاه عمومی جزایی تهران»

ملاحظه می شود در این رأی نظر مقام قضایی آن است که جرم نشر اکاذیب صرفاً به صورت مکتوب محقق می شود و اظهارات شفاهی موجب تحقق جرم نیست.

۲-۳- رأی دادگاه نظامی دو استان فارس به شماره دادنامه ۹۴/۱۰۰۹۹۷۹۱۹۸۱۰۰۰۹۹۰

«در خصوص شکایت آقای م. د نسبت به آقای م. ب در خصوص اینکه متهم ... به آقای م. س مراجعه و شماره تلفن وی را

۴- دیدگاه‌های حقوقدانان به شرط کتبی بودن اظهارات کذب

بسیاری از حقوقدانان برخلاف آراء ذکر شده، معتقدند با توجه به متن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، علاوه بر لزوم دروغ بودن مطالب مطرح شده، باید این کار به وسیله نامه، شکوائیه، مراسله، عریضه، گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء و بدون امضاء یا به عنوان نقل قول صریح یا ضمنی از شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی صورت گیرد. از مصادیق مذکور در ماده می‌توان استنباط کرد که اظهارات شفاهی از شمول ماده خارج است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۳۶). برخی دیگر از حقوقدانان نیز مشابه نظر اعلام شده به شرط کتبی بودن اظهارات معتقد هستند (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۷). از این رو به نظر می‌رسد استفاده مقنن از عبارات بیان شده، دکترین حقوقی را به این سمت برده است که چنین دیدگاهی را داشته باشند.

در بین افراد به وسیله کذب می‌باشد و تحقق همین مطلب برای حکم نمودن عقل به قبح آن کافی به نظر می‌رسد. نشر اکاذیب در روزگار ما ابزاری برای کسب درآمد گردیده است. عده‌ای در دنیا از طریق دروغ گفتن نان می‌خورند! و دروغ و شایعه‌پراکنی در دنیا کار رایجی است. کذب امروزه از حالت ساده گذشته، بسیار فراتر رفته و شکل نشر اکاذیب هم دچار تحول گردیده و رسانه‌های خبری، از جمله روزنامه‌ها ترجیح می‌دهند که به جای دروغ آشکار و مستقیم، از قالب‌های غیرمستقیم که توأم با ظرافت‌های هنری است استفاده نمایند. البته در گذشته نیز مسئله تکسب به کذب در بعضی فروع فقهی مطرح بوده است، اما دامنه و گستره‌اش به وسعت عصر حاضر نیست؛ برای مثال می‌توان از مسئله نوحه‌گری نام برد که فقها حکم به حرمت اخذ اجرت به واسطه نوحه‌گری باطل، داده‌اند. دلیل آن را هم کذب بودن این نوع نوحه‌گری دانسته‌اند (قباد، ۱۳۹۷: ۳).

مفسده دانسته‌اند، نه به حکم اولی عقل (امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵: ۶۰؛ خویی، بی‌تا: ۳۸۵). آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسد:

عقل به عنوان اولی و با قطع نظر از ترتب مفسده و مضره، حکم به حرمت کذب نمی‌نماید و چگونه حکم به حرمت خبر دادن از اکاذیبی نماید که مفسده دنیوی و اخروی بر آن مترتب نیست. بلکه اگر مفسده‌ای مانند قتل نفس محترمه، هتک اعراض، سرقت اموال، اذیت و ظلم به مردم و این قبیل عناوین حرام، بر این خبر مترتب گردد، این کار از نظر عقل حرام است، لکن این مسئله اختصاص به کذب ندارد، بلکه در همه اموری که این عناوین را محقق سازد جاری است؛ ولو اینکه به واسطه خبر راست باشد (خویی، همان: ۳۸۵). ظاهراً این فرمایش محقق خویی قابل تأمل می‌باشد؛ زیرا ممنوعیت کذب در نزد عقلا صرفاً به دلیل پیامدهای منفی نیست، بلکه به سبب از بین رفتن روح اعتماد و اطمینان

برآمد

قانون‌گذار در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به علت مبهم بودن در بخش دوم ماده قانونی فوق‌الذکر باعث تفسیری منجر به رأی قضات محترم گردیده است که موجب صدور آراء مختلفی در دادسراها و دادگاه‌های عمومی، نظامی شده است. با وجود نظریه مشورتی قوه قضاییه، همچنان صدور آراء مختلف از سوی شعبات قضایی وجود دارد. از این رو لازم است قانون‌گذار در خصوص بخش دوم این ماده قانونی ابهامات را برطرف نماید. از نظر فقه شیعه نیز علمای اسلام نشر اکاذیب را عدم مطابقت و مخالفت خبر با واقع عمومیت داده‌اند و می‌فرمایند که نشر اکاذیب اختصاص به لفظ ندارد و شامل هر آن چیزی است که نتیجه‌اش القای مخاطب در خلاف واقع گردد؛ ولو به نوشتن یا اشاره و به عنوان مصادیق بارز کذب از خبر دروغ، افترا و شایعه نام برده‌اند و بیان داشته انتشار هرگونه مطلب در غیر قالب خبر اگر نتیجه‌اش القای مخاطب در خلاف واقع باشد، از مصادیق کذب به شمار می‌رود و چاپ مطالب یا زدن تیتراهای مبالغه‌آمیز اگر تناسب در مبالغه را رعایت نموده باشد و مبالغه بی‌وجه نباشد، مصداق کذب نخواهد بود و نشر اخبار مشکوک با قید مشکوک بودن بلامانع است. از این رو معنی نشر اکاذیب در فقه شیعه و قانون مجازات اسلامی از لحاظ محتوا و مفهوم یکی است.

فهرست منابع

- ۱- آقایی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، میزان، ۱۳۸۵
- ۲- انصاری، مرتضی بن امین، مکاسب، انتشارات کنگره شیخ اعظم، ۱۴۱۵ ق.
- ۳- خمینی، سید روح‌الله، مکاسب المحرمه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۴- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، بی‌جا، بی‌تا
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۲
- ۶- قباد، احسان، تحلیل فقهی نشر اکاذیب، دو فصلنامه مطالعات فقه امامیه، دوره ۹۷، شماره ۱۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- ۷- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، میزان، چاپ ۱۳۹۲
- ۸- نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ ق